

بسمه تعالی

خواص اذکار

حفیظ (همیشه نگهبان)

(إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيفٌ) همانا پروردگار من بر هر چیز نگهبان است. (۱)

اسم مبارک « الحفیظ » به معنی حافظ بلکه مبالغه آن اشاره به حفظ تامه و کامل الهی - جل شأنه - می باشد. حفیظ، یعنی آن که خداوند تا زمانی که بقای هر یک از موجودات را مصلحت بداند حافظ و نگاهدارنده آن از تلف شدن و فساد است و این حفاظت، دائمی و مداوم است و محدود به مقطع خلق مخلوق نیست، زیرا محدثات (۲) همچنان که در حدوث (۳) خود به علت محدثه (۴) نیازمندند، به همان گونه در بقای خویش نیز به علت مبقیه (۵) نیازمندند و حفیظ بر تمام ممکنات احاطه و عنایت کامله دارد.

فواص:

- ۱- جهت نجات از شر شیطان و وساوس اجنه، بر خواندن اسم « الحفیظ » مداومت نمایند که مجربست.
- ۲- جهت نجات از زندگی نکبت بار، نوشتن اسم « الحفیظ » و بستن آن به بازو موثر است.
- ۳- مداومت بر خواندن اسم « الحفیظ » در جایی که مار و عقرب زیاد است مفید می باشد.
- ۴- برای جلوگیری از سقط شدن بچه در دوران حاملگی و یا مردن آن بعد از تولد، اسم « الحفیظ » روی نقره کنده شود و همراه مادری (قبل از فارغ شدن) و یا همراه بچه بعد از تولد قرار داده شود.
- ۵- مداومت بر این اسم برای کسی که از مواضع خطر بیمناک است، نافع و سریع الجابت می باشد و ذاکر این اسم، پیوسته از غرق و سوختن و سایر مهلکات و موذیات زمینی و دریایی - یاذن الله - محفوظ است.
- ۶- هر کس این اسم را بعد از نماز (صبح، ظهر یا عصر) روز جمعه ۹۹۸ مرتبه با خط باریک و ریز روی کاغذ بنویسد و بر بازو بندد، از وساوس شیطان و خوف سلطان و بیم مار و عقرب و خیالات فاسده در امان حضرت سبحان خواهد بود.

المجیب (اجابت کننده)

(إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ) همانا خدا به همه نزدیک است و دعای خلق را می شنود و اجابت می کند. (۶)

فواص:

- ۱- جهت رفع حوائج مهم (یک یا چند حاجت)، کمی بعد از طلوع آفتاب روز جمعه یا در صورت موفق نشدن، بعد از نماز ظهر و عصر روز جمعه، ۱۰۰۱ مرتبه خواندن اسم « المجیب » بسیار مجرب است.
- ۲- هر کس ۱۰۰۱ مرتبه « المجیب » بگوید و به درگاه خداوند عرض حاجت نماید، مأیوس نگردد.
- ۳- مداومت بر اسم مبارک « المجیب » فرد را از نکبت و ذلت نکه می دارد.

۴- بعضی گفته اند هر کس در آخر هر دعایی ۲۶ مرتبه بگوید «یا سریعُ یا مُجیبُ» دعایش به اجابت می رسد.

مجید (بزرگوار)

(إِنَّهُ خَمِيدٌ مُّجِيدٌ) خدا بسیار ستوده صفات و بزرگوار است. (۷)

الْمَجِيدُ مَعْنَاهُ الْكَرِيمُ الْعَزِيزُ (۸) و از این جاست قول خداوند تبارک و تعالی :

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ (بلکه آنچه تکذیب کردند قرآن مجید است. (۹))

قرآن مجید یعنی: کتاب کریم، شریف، بزرگوار و عزیز قرآن و مجید در لغت، یعنی دارای شرف و بزرگواری.

فواص:

۱- جهت رفع و دفع ذلت و خواری و تبدیل آن به عزت در هر روز ۹۹ مرتبه ذکر «المجید» خوانده و به خود دمیده شود.

۲- مداومت بر اسم «المجید» موجب شفای هر دردی است.

۳- مواظبت بر این اسم در خلوت، بر نور دل می افزاید.

الودود (بسیار دوست دار)

(إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ) همانا پروردگار من مهربانی است دوستدار. (۱۰))

خداوند، همه مخلوقات را دوست می دارد، چرا که سبب خلقت مخلوقات محبت ذات است به ذات: كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِيّاً فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أُعْرَفَ. (۱۱)

فواص:

۱- جهت باز شدن تمام گره ها و رفع مشکلات در هر روز ۷۷ مرتبه ذکر «الودود» خوانده شود.

باقی (همیشه جاوید)

(وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ) و ذات خدای منعم و با جلال و عظمت، زنده ابدی است. (۱۲)

فنا، ضد بقاست. ازلیت، خاص ذات اقدس احدیت است. (۱۳) از سوی دیگر ابدیت نیز تنها به ذات حضرت حق اختصاص دارد و تنها خداست که باقی و پاینده جاوید است. موجودی که مسبوق به عدم است، ابدی نیست. (۱۴) ممکن است که ابدی است، باقیست به بقای خدا (۱۵) و اراده خدا تعلق گرفته است به بقای او. خداوند متعال، برای محمد(ص) و آل محمد(ع)، اراده بقا فرموده است و ایشان، باقی به بقای خدا هستند.

فواص:

به جهت طولانی شدن عمر همراه با طاعت خدا در هر روز ۱۱۳ مرتبه ذکر «یا باقی» خوانده شود.

ذوالجلال و الاکرام (دارای بزرگی و بزرگواری و بنده نواز)

(و یَبْقَى وَجْهٌ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِکْرَامِ) (۱۶) و باقی ماند ذات پروردگارت که صاحب بزرگی و شوکت مطلق است. صاحب جلال (ذوالجلال) به کسی اطلاق می شود که تمام نعمات از اوست و صاحب غنای مطلق است. صاحب نعمت، کریم و بزرگواری نیز می باشد.

فواص:

۱- به جهت رفع گرفتاریهای دشوار که در آن درمانده شده اند، ۲۱ مرتبه گفتن ذکر « یا ذالجلال و الاکرام » (۱۷) نافع است.

۲- مداومت بر این اسم باعث انقطاع از ما سوی الله (۱۸) است و درخواست حوائج از غیر خدا و اهل بیت (ع) از کس دیگری منفعتی حقیقی نخواهد داشت.

۳- مداومت بر این اسم، باعث پیدا کردن بزرگی و حشمت است در بین مردم.

۴- به جهت استجاب دعا، آن را با « یا ذالجلال و الاکرام » ختم نمایید.

۵- به جهت برآورده شدن حوائج، مداومت بر ذکر « یا ذالجلال و الاکرام » به تعداد حداقل ۹ مرتبه در روز فراموش نشود.

الاول (نخستین)

هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (اول و آخر و پیدا و پنهان اوست و هم او به همه امور، عالم و داناست. (۱۹))

معنای اولیت، ازلیت است. تمام مخلوقات، حادثند و مسبوق به عدم. مخلوقات و ممکنات ابتدا و انتها دارند اما حضرت خداوند مبدع (خالق)، ازلی است. همان طور که در حدیث شریف آمده است:

كَانَ اللَّهُ وَ لَا شَيْءَ غَيْرَهُ (خداوند بود هیچ چیز دیگری جز او نبود. (۲۰))

فواص:

۱- برای کسب اطلاع از غایبی که به دنبال او باشند، مثلاً زیارت امام زمان (ع)، ۴۰ شب جمعه در هر شب ۱۰۰۰ مرتبه ذکر « یا اول » خوانده شود (در یک مجلس)

۲- برای برکت پیدا کردن مال، کار و کسب، وقت و ...، روزی ۳۷ مرتبه ذکر « یا اول » خوانده شود. (تعداد وسیط این اسم ۱۰ مرتبه و صغیر آن ۱ مرتبه می باشد).

آخر (واپسین)

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (اول و آخر و پیدا و پنهان اوست و هم او به همه امور، عالم و داناست. (۲۱))

هر موجودی را آخری است، آخر بلا آخر (۲۲) ذات اقدس احدیت است. خداوند متعال بعد از فناء تمام ممکنات، باقی است: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ

فواص:

۱- برای کسی که خواستار حسن عاقبت (۲۳) است گفتن ۸۰۱ مرتبه ذکر «یا آخر» (۲۴) نافع می باشد. (لازم نیست هر روز این ذکر خوانده شود).

۲- برای دفع دشمن قدرتمندی که توانایی دفع آن نیست گفتن ۸۰۱ مرتبه ذکر «یا آخر» مجرب است.

ظاهر (پیدا)

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (اول و آخر و پیدا و پنهان اوست و هم او به همه امور، عالم و داناست. (۲۵))

«ظاهر» برگرفته از «ظهور» می تواند باشد و یا از «ظهر» که به معنی پشت است. وجود، یکی مربوط به ذات (واجب الوجود) و یکی مربوط به غیر ذات (ممکن الوجود) می باشد. خداوند، واجب الوجود و مخلوقات، ممکن الوجود هستند. خداوند، غائب است یعنی پنهان. در «قل هو الله احد»، «هو» اشاره دارد به ضمیر غائب معین. علم و حیا و قدرت، عین ذات خداست. علم، غائب است. عالم، علم به علم خود دارد اما علم او دیده نمی شود. سخنی که از عالم، ظهور پیدا می کند، ظهور علم اوست. ذات خداوند شناختنی نیست و هیچ کس راه به آن ندارد، خلقت تمام ممکنات، ظهور قدرت خداست و همه مخلوقات، آیات و مظاهر صفات او هستند که با شناخت هر یک می توان صانع آن را شناخت.

مظهر تام و تمام صفات خداوند، چهارده نور پاکند؛ یعنی محمد(ص) و آل محمد(ع) و با شناخت آنها کامل ترین شناخت نسبت به خداوند میسر می شود. لذا خداوند آنها را برای انسانها جهت شناخت و تقرب به خود وسیله قرار داده است، چنانچه حضرت اباعبدالله الحسین(ع) می فرمایند: «بِنَا عَرَفَ اللَّهُ وَبِنَا عِبَدَ اللَّهُ» (به وسیله ما، خداوند شناخته شده و به وسیله ما خداوند عبادت می شود.) (۲۶)

خداوند متعال از یک نظر، غائب است و از یک نظر، ظاهر است. او غائب است از چشم سر (حواس) و ظاهر است بر چشم سیر (دل).

فواص:

۱- به جهت ظاهر شدن امری پنهان و حاصل شدن کشفیات در هر روز ۱۱۰۶ مرتبه ذکر «یا ظاهر» گفته شود.

۲- اگر بخواهد که از رجال الغیب شود و وجود مقدس امام زمان(ع) بر او ظاهر گردد روزی ۱۱۰۶ مرتبه ذکر «یا ظاهر» را بخواند.

باطن (پنهان از دیده ها)

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (اول و آخر و پیدا و پنهان اوست و هم او به همه امور، عالم و داناست. (۲۷)

باطن هر چیز تا به مرحله ظهور نرسد محسوس نیست. مثل باطن و استعداد دانه ای که تا نروید و ظهور پیدا نکند دیده نمی شود.

کثرت در ظاهر است و وحدت در باطن. درخت، یکی است و ظهور میوه ها، ظهور کثرت است از درخت.

کثرتها بستگی به یکتایی حضرت حق دارند، وحدت یعنی یکتا بودن خالق، کثرت در لباس وحدت ظهور می کند، کثرت در ظاهر است و وحدت در باطن. علم تمام کثرتها در باطن و نزد صاحب ولایت کلیه الهیه است که امروز وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. لذا امیرالمومنین (ع) فرمودند: « از اول تا آخر دنیا من تمام شیعیان و دشمنانم را می شناسم.»

امام صادق (ع) نیز می فرمایند: « ما اهل بیت، شیعیانمان را می شناسیم آنچنان که مردی اهل خانه اش را می شناسد.» (۲۸)

باطن شناسی علمی است که خداوند به هر که بخواهد اعطاء می کند البته تا نفس مزگی (۲۹) نباشد باطن شناسی میسر نیست یعنی نفس انسان باید واجد فضائل اخلاق و فاقد رذائل آن شده باشد تا لایق این عطیه خداوندی گردد.

ذات اقدس احدیت در خفاء و ظهور، کمال دارد. او در ذات و صفات یکتاست. خورشید، یکی است ولی ظهور و تابش نور آن کثرت دارد. موجودات به نور خورشید دیده می شوند ولی کثرت موجودات دلیل بر وجود چند خورشید برای دیدن آنها نیست.

بعضی موجودات کثرتشان باعث خفای آنها می شود. مثل خود خورشید. کثرت نور خورشید در روز، به علت روشن بودن همه جا باعث غفلت از وجود خودش می شود لذا هیچ کس نمی گوید من فلان چیز را به نور خورشید می بینم، بلکه می گوید فلان شیء را می بینم. همچنان که نور آفتاب نشانه وجود خورشید است، وجود کلیه ممکنات نشانه وجود خداست. از اثر پی به موثر و از مصنوع پی به صانع می توان برد و کمال صنع خدا در وجود محمد (ص) و آل محمد (ع) به ظهور رسیده که مظاهر تامه صفات خدایند و ما خدا را به آنها می شناسیم.

دل اگر خدانشناسی همه در رخ علی بین به علی شناختیم من به خدا قسم خدا را

لذا امیرالمومنین (ع) می فرمایند:

«أنا الظاهرُ، أنا الباطنُ، أنا أوَّلُ، إنا الآخرُ» (من ظاهر هستم، من باطن هستم، من اول هستم، من آخر هستم.) (۳۰)

علی (ع) محل ظهور صفت قدرت و علم خداست، لذا علی (ع) عین الله، اذن الله و یدالله می شود. و امام حسین (ع) ثارالله می شود و اما شناخت محمد (ص) و آل محمد (ع) نسبت به خدا، از صانع به مصنوع است یعنی برای ایشان، وجود خداوند دلیل بر وجود ممکنات است، نه وجود ممکنات دلیل بر وجود خدا، و این عالی ترین مرحله توحید و خدانشناسی و همان توحید شهودی است که مختص به این چهارده نور پاک می باشد، لذا در نزد ایشان، ذات خدا بر وجود خدا دلیل است و اینان نیاز به برهان و دلیل دیگری بر اثبات صانع ندارند؛ چنانچه امیرالمومنین (ع) می فرمایند:

« یا مَنْ ذَلَّ عَلَيَّ ذَاتِهِ » (ای آن که راهنمایی کند به وجود خود به وسیله ذات خودش.) (۳۱) و یا در جواب این که آیا شما خدا را به پیغمبر (ص) می شناسید یا پیغمبر (ص) را به خدا؟ می فرمایند: پیغمبر (ص) را به خدا می شناسم. (۳۲)

فواص:

۱- جهت پی بردن به ضمائر و معانی موجود در قلب اشخاص، مداومت شود بر ذکر « یا باطن» به تعداد ۶۲ مرتبه.

۲- جهت دفع دشمن سر سخت ۶۲ مرتبه ذکر « یا باطن» گفته شود.

حق (راست، درست)

أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ (همانا خداوند، حقیقت آشکار و روشن است.) (۳۳)

ضد حق، باطل است. حق مطلق، ذات اقدس احدیت است و او حق همیشگی است. آینه تمام نمای حق - در صفات - محمد(ص) و آل محمد(ع) می باشند و دیدن و شناخت خدا به دیدن و شناخت آنهاست و این بزرگواران انسانهای حق نمایند.

فواص:

۱- برای وصول طلبی که توانایی باز پس گرفتن آن نیست ۱۰۸ مرتبه ذکر « یا حق» خوانده شود(تاثیر این ذکر تا آنجاست که حتی بدهکار به دنبال طلبکار خود خواهد آمد.)

۲- جهت ادای قرضی که توانایی بازپرداخت آن نیست قبل از اذان صبح ۱۰۸ مرتبه ذکر « یا حق» خوانده شود.

۳- جهت صفای نفس و محو ردائل(۳۴) و آراستن آن به فضائل اخلاق، بعد از ساعت ۱۲ نیمه شب، دو رکعت نماز، زیر آسمان با سر برهنه خوانده سپس در حالت ایستاده ۱۰۰ مرتبه ذکر « یا حق» خوانده شود.

عدد ابجد « بحق»، ۱۱۰ می باشد که مساوی با عدد « علی» است که اسم اعظم خداست؛ پس در دعاها هرگاه گفته شود « بحق» یعنی « علی» و العاقل یکفیه الاشاره ...

پی نوشتها:

۱- هود/ ۵۷.

۲- یعنی چیزهایی که اصالتاً نبوده اند و به اراده و مشیت الهی از عدم و نیستی به وجود آمده اند.

۳- موجود شدن.

۴- علت محدثه، یعنی دلیلی که خلق و به وجود آمدن یک مخلوق زاییده آنست.

۵- علت مبقیه، یعنی دلیل تداوم هستی یک مخلوق.

۶- هود/ ۶۱.

۷- هود/ ۷۳.

۸- بحار الانوار/ ج ۴/ ص ۲۰۳/ روایت ۲/ باب ۳ (بیان).

۹- بروج/۲۱.

۱۰- هود/۹۰.

۱۱- ترجمه: من (ذات اقدس اله)، گنجی مخفی بودم، پس خواستم تا شناخته شوم، پس عالم آفرینش را آفریدم تا بدان شناخته شوم. - بحارالانوار/ ج ۷۸/ ص ۱۹۹/ روایت ۶/ باب ۱۲ (بیان).

۱۲- الرحمن/۲۷.

۱۳- یعنی این که وجودی از « بی نهایت گذشته» موجود بوده باشد، تنها و تنها، ویژگی وجود خداوند است.

۱۴- موجودی که در بخشی از زمان گذشته مثلاً یک میلیون سال پیش نبوده است، ازلی نیست و موجودی که در ده میلیارد سال بعد، بیشتر یا کمتر، وجود نداشته نباشد، هم لاجرم ابدی نیست.

۱۵- موجودی که در وجود خود به اراده الهی موکول و وابسته است، اگر هم بقا داشته باشد و تا ابد وجود داشته باشد، این بقا و وجود را مرهون اراده الهی است.

۱۶- الرحمن/۲۶.

۱۷- در نحوه تلفظ اسم باید دقت نمود، چون بخش اول این اسم، یعنی « ذو» اگر بعد از « یا» که علامت نداست بیاید به « ذا» تبدیل می شود و « یا ذوالجلال و الاکرام» از نظر نحو عربی غلط و صحیح آن « یا ذالجلال و الاکرام» است.

۱۸- آنچه غیر از خدا

۱۹- حدید/۳.

۲۰- بحارالانوار/ ج ۲۵/ ص ۱۷/ روایت ۳۱/ باب ۱

۲۱- حدید/۳.

۲۲- یعنی « پایانی» که نهایی برای آن متصور نیست.

۲۳- نیک فرجامی.

۲۴- بسیاری در تلفظ این ذکر دچار اشتباه می شوند. آخر، به معنای « نهایت و پایان هر چیز» و آخر به معنای « دیگر» است.

۲۵- حدید/۳.

۲۶- بحارالانوار/ ج ۲۶/ ص ۲۴۶/ روایت ۱۴/ باب ۵.

۲۷- حدید/۳.

۲۸- بحارالانوار/ ج ۲۶/ ص ۱۴۶/ روایت ۲۵/ باب ۹.

۲۹- تزکیه و تربیت شده.

۳۰- بحار الانوار / ج ۳۹ / ص ۳۴۷ / روایت ۲۰ / باب ۹۰.

۳۱- بحار الانوار / ج ۸۷ / ص ۳۳۹ / روایت ۱۹ / باب ۱۳.

۳۲- بحار الانوار / ج ۳ / ص ۲۷۲ / روایت ۹ / باب ۱۰.

۳۳- نور / ۲۵.

۳۴- بدیها و زشتیها، جمع رذیله.

سایت: تبیان

روابط عمومی دانشکده دندانپزشکی